

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

ملت ایران بخوبی دانسته است که نقطه‌ی قوت و پایداری او، درست همان است که دشمن همه‌ی نیروی خود را در مقابله با آن مصروف می‌کند؛ یعنی توکل به خدا و تمسک به اصول اساسی انقلاب که همه از میانی اسلام سرچشمه گرفته و در کلمات رهبر کبیر انقلاب (رضوان‌الله‌علیه) بر آن تاکید شده است. خشم و غیظ عنادآمیزی که در به‌کاربردن واژه‌ی «بنیادگرایی» در اظهارات خصمانه‌ی رسانه‌های دشمن، از اول انقلاب تا امروز محسوس است، ناشی از درماندگی و سراسیمگی آنان در برابر پایداری رهبر و ملت و نظام ما به اصول اساسی انقلاب است.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

ملت ایران باید بداند که حفظ انقلاب و برپانگهداشتن پرچم عزت و شرف و ادامه‌ی راه پرافتخاری که مجاهدات این ملت شریف در برابر ملت‌های جهان، مخصوصا مسلمانان گشود و به عنوان تنها راه غلبه بر فشار و ظلم قلدران شناخته شد، و تنها باطل‌السحر توطئه‌های دشمنان بر علیه انقلاب و جمهوری اسلامی، همانا حراست از اصول بنیانی انقلاب و پاسداری از ارزش‌های انقلاب است. این، آن نقطه‌ی روشنی است که شعار صدمت با سلطه‌ی جهانی استکبار را عالمگیر ساخته و ارکان نظام سلطه‌ی جهانی را متزلزل کرده است و همین است که از این پس ملت ایران را بر همه‌ی توطئه‌های دشمنان فایز خواهد ساخت. و این همان وصیت جاودانی است که امام راحل عظیم‌القدر (اعلی‌الله کلمته) در بیانیه‌ها و اخیرا در وصیتنامه‌ی خود، همه‌ی ما را بدان توصیه فرموده است.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

ملت ایران و مدیران و گردانندگان کشور، باید بر گرد اصول اساسی نظام جمهوری اسلامی مجتمع گشته و همه‌ی توان و نیروی خود را برای تحقق و حراست از آن متمرکز کنند و هیچ خواسته و شعار و هیچ انگیزه‌ی فردی و گروهی و قومی و فرقه‌ی نتواند فرد و یا جمعی را از تلاش برای آن اصول و رسیدن به هدفهای نظام جمهوری اسلامی باز دارد.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

بعضی از رسانه‌های مغرض خارجی اصرار دارند و انمود کنند که پایداری به اصول انقلاب، به معنای دوری از رفاه عمومی و علاج نکردن مشکلات طبقات ضعیف و مستمند است. این حرف از کسانی صادر می‌شود که دهها سال جوامع خود را در سایه‌ی سنگین تفکر کمونیستی، به راهی بدبختی‌زا سوق داده‌اند. درحالی‌که سران آن کشورها مانند کشورهای سرمایه‌داری، غرق در زندگی اشرافی بودند، طبقات پایین جامعه در انواع سختیهای مادی و معنوی بسر می‌بردند. در نظام اسلامی، رفع فقر و محرومیت، در شمار هدفهای طراز اول است و پایداری به اصول انقلاب، بدون مجاهدت در راه نجات مستضعفان و محرومان، سخنی بی‌معنی و ادعایی بوج است.

خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۷۱/۱۲/۰۷

به طور کلی امروز استکبار جهانی با چشم غره‌ی عجیبی به جهان اسلام نگاه می‌کند! این را بدانید. هرچا احساسات اسلامی هست، استکبار با خشم، بداخلاقی و بدرفتاری، با آن‌جا برخورد می‌کند. هر کس که نسبت به مسلمانان سختگیری کند، مورد لطف گردن‌کلفتها و مستکبرین امروز دنیا - اعم از امریکا یا کسانی که به آن بزرگی و به آن گردن‌کلفتی هم نیستند اما جهتگیری و هدف‌گیری‌شان نسبت به اسلام و مسلمین همان است - قرار می‌گیرد. البته علی‌رغم همه‌ی دشمنیهای دشمنان، اسلام پیش می‌رود. امروز، اسلام از سال گذشته توسعه‌اش بیشتر شده است. این‌که می‌بینید رادیوها و تبلیغات جهانی، جنجال می‌آفرینند و می‌خواهند و انمود کنند که اصولگرایی اسلامی و اسلام مبارز، از چشم مردم دنیا افتاده است، از آن دروغها و ترفندهایی است که با زحمت زیاد سعی در انتشارش دارند. قضیه به عکس است. اگر گرایش به اسلام از چشم ملت‌ها افتاده بود، مجبور نبودند این‌قدر در شمال آفریقا و کشورهای عربی و کشورهای آسیای میانه، برای مقابله با موج اسلام‌خواهی، پول خرج کنند. اسلام روزه‌روز در دل‌های مردم نفوذ بیشتری پیدا می‌کند. البته یکی از علل و عوامل این توسعه، همین است که ملت ایران، به فضل الهی خواستار انقلاب خود بود و ماند و علی‌رغم همه‌ی حرف‌ها و شایعه‌هایی که دشمنان سعی می‌کردند راه بیندازند، این حضور عظیم شما در بیست‌ودوم بهمن، مشت محکمی بود که بر دهان دشمنان کوبیده شد.

بیانات در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۱/۰۳/۱۲

البته دولتها و مسوولان در دوره‌های مختلف برای اجرای این اصول می‌توانند تاکتیکها و روشهای گوناگونی را انتخاب کنند. اساس انقلاب، مثل خود اسلام بر احکام ثابت و احکام متغیر استوار است. یک سلسله احکام، تغییرناپذیر است؛ یک سلسله احکام در شرایط گوناگون تغییر پیدا می‌کند. انقلاب هم همین‌طور است. اجتهاد، خصوصیتی است که این امکان را به یک مسوول می‌دهد تا بتواند به اقتضای شرایط، روشها و راهها و تاکتیکهای درست را انتخاب کند. البته انتخاب روش و اجتهاد برای پیدا کردن روش نو و مناسب، کار مجتهد است. این غیر از بدعتگذاری یک انسان ناوارد و تجدیدنظر طلب است؛ این کار کسی است که قدرت اجتهاد در این کار را داشته باشد. نقش اجتهاد و مجتهد در نظام اسلامی به همین خاطر است. از آن طرف، به بهانه‌ی تمسک به اصول، تجر را نفی می‌کنیم و می‌گوییم نمی‌شود به بهانه‌ی تمسک به اصول، تجر و ایستایی را بر انقلاب تحمیل کرد - اصولگرایی وجود دارد؛ اما این، تجر و جزماندیشی و نشناختن شرایط مختلف نیست - از این طرف، به بهانه‌ی اجتهاد و تحول، نباید به بدعت‌گذاریهای ناشیانه و تجدیدنظرطلبانه اجازه‌ی فعالیت و تحرک مضر و مخرب داد. خط روشن امام بزرگوار این است. بنا بر این، اصول، اصول ثابتی است. عدالت، مردم‌سالاری، استقلال، دفاع از حقوق ملت در همه‌ی زمینه‌ها، دفاع از حقوق مسلمانان عالم، دفاع از هر مظلومی در هر نقطه‌ی عالم؛ اینها جزو اصول ماست. مبارزه با فساد، ظلم و زورگویی جزو اصول ماست - اینها تغییرناپذیر است - اما ممکن است روشهای گوناگونی در اوضاع و احوال مختلف وجود داشته باشد.

بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم / ۱۳۸۱/۱۱/۰۸

متأسفانه یک عده اصولگرایی را با تجر اشتباه گرفته و خیال کرده‌اند که اصولگرایی یعنی تجر! در حالی که اصولگرایی به معنای تجر نیست. اصولگرایی یعنی اصول مستدل منطقی را قبول داشتن و به آنها پایبند ماندن و رفتارهای خود را با آن اصول تطبیق کردن؛ مثل شاخصهایی که انسان را در یک جاده هدایت می‌کند. «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا»، این استقامت کردن، اصولگرایی است. معنای تجر این است که از هر آنچه که به صورت یک باور در ذهن انسان وارد شده، بدون این‌که پایه‌های استدلالی و استناد مستحکمی داشته باشد، بی‌دلیل و متعصبانه دفاع کردن. «اذ جعل الذین كفروا فی قلوبهم الحمية حمية الجاهلیه». «حمیت جاهلیه» گریبان کسانی را می‌گیرد و آنها جاهلانه از یک چیز دفاع می‌کنند. اصولگرایی با این دفاع جاهلانه و حمیت متعصبانه و متحجرانه اشتباه نشود. تا گفته می‌شود تجر، ذهن بعضی به تجر جناحهای دینی می‌رود. در حالی‌که جناحهای به اصطلاح روشنفکر و متجدد ما در تجر دست کمی از متحجرین دینی ندارند، بلکه در مواردی به مراتب از آنها بدترند. من یادم نمی‌رود، دوران قبل از انقلاب در این مجالسی که با دانشجویان و بعضی از فعالان سیاسی چپ تشکیل می‌شد، اگر کسی حرفی می‌زد که با میانی مارکسیسم اندک مخالفت و مساسی داشت، استدلال لازم نبود، می‌گفتند این حرف باطل و غلط است! همان که در قرآن می‌گوید: «انا وجدنا اباثنا علی امه». چون این را شنیده‌اند، بر آن پای می‌فشرند و براساس آن هر حرف منطقی را باطل می‌کردند. تجر در آن‌جا بیشتر

است.

بنابراین اصولگرایی یک حرف است و تجر یک حرف دیگر. همچنان که آزاداندیشی غیر از بی‌بندوباری است. آزاداندیشی یک حرف و بی‌بندوباری یک حرف دیگر است. آزاداندیشی این است که شما در حرکت به سمت سرزمینهای ناشناخته‌ی معارف، خودتان را آزاد کنید، بروید، نیروها و انرژی‌هایتان را به‌کار بیندازید و حرکت کنید؛ اما معنای بی‌بندوباری این است که در حرکت به سمت قله‌ی یک کوه، اصلاً اهمیت ندهید که از کدام راه بروید. نتیجه این می‌شود که از راهی می‌روید و به نقطه‌ای می‌رسید که نه راه پیش دارید و نه راه پس و فقط راه سقوط دارید! در کوهنوردی، آنهایی که اهل رفتن به ارتفاعاتند، این را کاملاً تجربه کرده‌اند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۲/۰۵/۱۵

ببینید در دنیا دولتهایی که گاهی اعتراضهایی هم به جمهوری اسلامی می‌کنند، قانون اساسی دویست سیصد ساله‌ی خود را محکم نگه داشته‌اند. ارزشهای کهنه‌ی دویست سیصد ساله، بلکه بیشتر را محکم و دو دستی نگه می‌دارند و نمی‌گذارند به آن خدشه وارد شود. شما دیدید در نامه‌ای که سال گذشته عده‌ای از به‌اصطلاح روشنفکران آمریکا برای توجیه جنگ‌طلبی رئیس‌جمهور آمریکا و دار و دسته‌اش صادر کردند، روی ارزشهای آمریکایی تکیه کردند. این ارزشها، ارزشهای «جورج واشنگتن» است که دویست سال از عمر آن می‌گذرد. ارزشهای آمریکایی برای آنها اصل شد، که بر اساس آن ارزشها حتی جنگ‌طلبی و استعمال بمب اتم نیز مطرح گردید. همان روزها «بوش» تهدید کرد که من چند کشور را با بمب اتم می‌زنم! این کار توجیه می‌گردد و جایز شمرده می‌شود. روی ارزشهای خودشان این‌طور تکیه می‌کنند؛ اما وقتی نوبت به ما و قانون اساسی و ارزشهای ما می‌رسد، ما می‌شویم اصولگرا به معنای متحجر! اصولگرایی آمریکایی می‌شود مثبت؛ اما اصولگرایی اسلامی متکی به منطق و عقل و استدلال و تجربه و شوق آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی یک ملت می‌شود یک چیز محکوم، می‌شود فحش؛ اصولگراها! البته مدتی است تعبیر «اصولگراها» را عوض کرده‌اند و می‌گویند «محافظه‌کارها»؛ غافل از این‌که در کشور ما جناحهای مختلف همه‌شان اصولگرایند. البته ممکن است تعدادی تندرو در هر گوشه‌ای وجود داشته باشند، اما جل عناصر کشور ما که در دستگاهها هستند، اصولگرایند و همه‌شان به این اصل معتقدند. این اصول باید در این چشم‌اندازها کاملاً دیده و رعایت شود. ما به مرحله‌ای رسیده‌ایم که می‌توانیم و باید این بنا را بر اساس این اصول حفظ کنیم و پیش برویم.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان / ۱۳۸۲/۰۲/۱۹

بنده دعوای اصلاح‌طلب و اصولگرا را هم قبول ندارم؛ من این تقسیم‌بندی را غلط می‌دانم. نقطه‌ی مقابل اصولگرا، اصلاح‌طلب نیست؛ نقطه‌ی مقابل اصلاح‌طلب، اصولگرا نیست. نقطه‌ی مقابل اصولگرا، آدم بی‌اصول و لایبالی است؛ آدمی که به هیچ اصلی معتقد نیست؛ آدم هرهری مذهب است. یک روز منافع او یا فضای عمومی ایجاب می‌کند که بشدت ضد سرمایه‌گذاری و سرمایه‌داری حرکت کند، یک روز هم منافع‌اش یا فضا ایجاب می‌کند که طرفدار سرسخت سرمایه‌داری شود؛ حتی به شکل وابسته و نایابش! نقطه‌ی مقابل اصلاح‌طلبی، افساد است. بنده معتقد به اصولگرای اصلاح‌طلبیم؛ اصول متین و متقنی که از میانی معرفتی اسلام برخاسته، با اصلاح روش‌ها به صورت روزبه‌روز و نوبه‌نو.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۵/۰۶/۰۶

مردم، تشنه‌ی عدالت، تشنه‌ی مبارزه با فساد و تشنه‌ی تمسک به اصول انقلاب بودند، که وقتی دیدند یک نفر صادقانه این شعارها را سر دست گرفته و مطرح میکند، حول محور او جمع شدند؛ خود این نعمت بزرگی است که این تفکر به صورت یک گفتمان مسلط در جامعه درآمد و همچنان ادامه دارد و بعد از روی کار آمدن این دولت، بحمدالله تقویت هم شده است. طبیعت کار هم این است، هر چه شما بهتر، بیشتر، صمیمی‌تر و پایبندتر به اصول حرکت کنید و پیش بروید، عمق این ایمان در دل‌های مردم ما بیشتر خواهد شد و تغییر آن به وسیله‌ی دستهای بیگانه، برای آنها دشوارتر خواهد شد. بنابراین فرصت، واقعا فرصت مهمی است. مردم به دولت اعتماد دارند؛ دولت، خود را جزو مردم و از جنس مردم میدانند و می‌شمارد؛ از لحاظ انعکاس بین‌المللی، کشور از یک عزت کم‌سابقه یا بی‌سابقه‌ای برخوردار است؛ ابهت نظام اسلامی، عظمت ملت ایران، رسایی و شفافیت اغراض و اهداف جمهوری اسلامی در دنیا اسلام، بیش از همیشه است؛ و حتی در دنیا غیر مسلمان، امروز عزت و ابهت ملت ما بسیار برجسته است و این را همه تصدیق میکنند و از نشانه‌ها و عکس‌العمل‌های خارجی‌اش هم این را می‌فهمیم. به هر حال، فرصت بسیار مهمی است.

آنچه که من به این مناسبت میخواهم عرض بکنم، این است که من و شما - همه مان، یکایکمان - توجه داشته باشیم که این فرصت را نباید از دست بدهیم. در گزارش دولت - که به مناسبت این روزها به من داده شده - خوانده‌ام که دولت حتی یک روز را هم بیهوده از دست نداده؛ همین‌طور درست است. من میخواهم تکیه کنم که حتی یک روز را هم نگذارید هدر برود. از تمام روزهای این سه‌ساله که علی‌العجاله از عمر این دولت باقی است، حداکثر استفاده را بکنید؛ این فرصت، بسیار فرصت مهمی است. اگر خدای نکرده طوری بشود که نتوانیم آنچه را که مردم درباره‌ی مجموعه‌مان تصور میکنند، آن را تحقق ببخشیم، خسارت بزرگ خواهد بود و به این جریان و جهت‌گیری حتما ضربه وارد خواهد آمد. آن وقت امیرالمومنین فرمود: «و لقل ما شی اذیر ثم اقبل»؛ موجی که برگشت و رفت، دیگر خیلی آسان این طرف نماید و برنمیگردد. خون دل‌ها باید خورد و زحمتهای باید کشید تا اینکه باز برای اقبال و توجهی که امروز وجود دارد، زمینه فراهم شود. این را نباید از دست داد.

خوب، نتیجه‌ی این چیست؟ نتیجه‌اش این است که هم شما و هم همه‌ی دلسوزان کشور باید به دولت کمک کنید تا بتواند این شعارهایی را که مطرح کرده، تحقق ببخشد. همه، بدون اغماض، و هر کسی که حقیقتاً برای این کشور و نظام دلسوز است، باید در این زمینه، خود را متعهد بداند.

نکته‌ی بعدی این است که این دولت به عنوان یک دولت «اصولگرا» شناخته شده و رفتار و تلاشی هم که تا امروز نشان داده و آنچه در عمل و قولش منعکس شده، همین اصولگرایی را نشان میدهد؛ که ان‌شاءالله خود همین برای کشور و شما برکاتی خواهد داشت. شاخصه‌های اصولگرایی، شاخصه‌های مهمی است؛ این شاخصه‌ها باید مورد توجه قرار بگیرد، که من به بعضی از اینها اشاره میکنم. در اظهارات شما هم هست، آن را میگویند و تکرار میکنند و در برنامه‌هایتان می‌گنجانید. تحقق مجموعه‌ی این شاخصه‌ها به معنای حقیقی کلمه، آن وقت دولت را به عنوان یک دولت اصولگرا معرفی خواهد کرد.

شاخصه‌ی اول «عدالتخواهی و عدالت‌گستری» است. به زبان آسان است؛ اما در عمل بسیار کار دشواری است و مقدمات بسیاری لازم دارد. باید خیلی کار کرد تا اینکه عدالت تحقق پیدا کند؛ عدالت جغرافیایی، عدالت طبقاتی، عدالت در زمینه‌های مسایل اقتصادی، عدالت در زمینه‌های مسایل فرهنگی، عدالت در جایگزین شدن و جای گرفتن در مسئولیتهای و مناصب و عدالت در قضاوت‌های ما - نه فقط قضاوتی که قاضی در دادگاه می‌کند، بلکه داوری‌هایی که ما نسبت به اشخاص و قضایا میکنیم - اینها همه عدالت است و عدالت در آنها نقش دارد. عدالتخواهی و عدالت‌گستری به معنای اینهاست. البته امروز کشور ما بیش از هر چیز دیگر، تشنه‌ی عدالت اقتصادی است. علت هم این است که واقعا یک شکافی به صورت میراث معیوبی از گذشته بود و این شکاف باید پر میشد، که نشده است. البته به شکل معقولی باید پر شود. ما پر کردن این شکاف را به همان شکلی میگوئیم که اسلام توصیه میکند؛ حرفهای غیر منطقی و ناممکن و نامعقول را نمیخواهیم به میان بیاوریم؛ همان‌طوری که اسلام میگوید: فرصتها در مقابل همه باشد و امکانات عمومی مورد استفاده‌ی همه قرار گیرد. بنابراین یک شاخصه، مسئله‌ی عدالتخواهی و عدالت‌گستری است که پهنه‌ی وسیعی دارد.

«فسادستیزی» شاخصه دیگری است. «سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان کشور» - بخصوص مسئولان عالی‌رتبه، در سطوح دولت و معاونین و از این قبیل - بسیار مهم است و شاخصه دیگری است که از لحاظ اعتقادی و اخلاقی اشخاص سالمی باشند.

«اعتزاز به اسلام» یکی دیگر از شاخصه‌های اصولگرایی است. ما در دوران این بیست‌وهفت سال، بعضی از مسئولان نظام اسلامی را دیده بودیم که خجالت میکشیدند یک حکم اسلامی یا یک جهتگیری اسلامی را صریحا بر زبان بیاورند؛ نه، ما طلبکاریم. من بارها گفته‌ام، در قضیه «زن»، ما پاسخگوی غرب نیستیم، غرب باید پاسخگوی ما باشد؛ ما هستیم که سوال مطرح میکنیم. در زمینه حقوق بشر، ما باید به درون خودمان نگاه کنیم: «الانسان علی نفسه بصیره»؛ اسلام اعتزاز داشته باشید. آنچه را که اسلام به ما آموخته، اگر ما درست یاد گرفته باشیم و دچار کج‌فکری و انحراف و غلط فهمی نشده باشیم، چیزی است که باید به آن افتخار کنیم.

«ساده‌زیستی و مردم‌گرایی» شاخصه دیگری است که بحمدالله دارید.

«تواضع و نغلتیدن در گرداب غرور» هم یکی از شاخصه‌هایی است که لازمه اصولگرایی است؛ ما در معرض این هستیم. ببینید عزیزان! شماها در موضع بالای قرار دارید و مورد احترامید؛ افراد پیش شما می‌آیند و تعریف و تمجید میکنند - بعضی از روی اعتقاد، بعضی بدون اعتقاد - برای اینکه شما خوششان بیاید، ما خودمان باید مواظب باشیم حرفهایی که در تمجید و ستایش ما می‌زنند، اینها را باور نکنیم. ما باید به درون خودمان نگاه کنیم: «الانسان علی نفسه بصیره»؛ نقصها، مشکلات و کمبودهایمان را نگاه کنیم و فریب نخوریم. این فریب خوردن، انسان را در دام و گرداب غرور می‌اندازد. اگر انسان خودش را بد برآورد کرد، آن وقت دیگر نجات پیدا نمیکند.

«اجتناب از اسراف و ریخت‌وپاش» که جزو برنامه‌های بسیار خوب شماهاست.

«خردگرایی و تدبیر و حکمت در تصمیم‌گیری و عمل»، این جزو مسائلی است که حتما به آن احتیاج دارید؛ همه‌مان در تصمیم‌گیریها و عملمان به آن احتیاج داریم. البته بعضی از اینها را من بعدا باز مختصری توضیح میدهم و باز می‌کنم.

«مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی»؛ در هر بخشی که ما هستیم، مسئولیت آن کاری که بر عهده گرفته‌ایم، این را بپذیریم. زیرمجموعه، زیرمجموعه‌ی ماست، احساس مسئولیت کنیم. در هر نقطه‌ای مسئولیت تعریف‌شده‌ای وجود دارد، آن مسئولیت را بایستی پذیرفت.

از جمله‌ی شاخصه‌های مهم اصولگرایی، یکی «اهتمام به علم و پیشرفت علمی» است. شما ببینید چه زمانی در آغاز پیدایش اسلام گفته شد که: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة» یا «مومن و مومنه»؛ یعنی همان وقتی که نماز و زکات و این چیزها آمد، طلب العلم هم آمد؛ «اطلبوا العلم ولو بالصین» هم آمد. من بارها تکرار میکنم، این به خاطر همین است که جامعه، بدون علم نخواهد توانست آرمانهای خودش را بالا بیاورد. مثل این است که انسان حرف حقی داشته باشد؛ اما اصلا زبان گفتنش را نداشته باشد. نداشتن علم این‌طوری است. علم موجب میشود که شما بتوانید آن آرمانها، آن اهداف و آن خط روشن و جاده‌ی روشن صراط مستقیمی را که در دست و اختیار شماست، مطرح کنید و کسان بیشتری را از بشریت، به آن هدایت کنید. علم نداشته باشید، این امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین علم - که وسیله‌ی رشد ملی، بشری، انسانی و اوج گرفتن در محیط عام بشریت است - جزو چیزهای لازم است و باید به این اهتمام داشته باشید.

«سعه‌ی صدر و تحمل مخالف»؛ که از جمله‌ی شاخصه‌هایی است که جزو پایه‌های اصولگرایی است. گاهی انسان از حرفی که می‌زنند، ناراحت هم میشود؛ حرص هم می‌خورد، گاهی به خدا هم شکایت میکند که خدا! تو که می‌بینی واقع قضیه چیست و چقدر با چیزی که اینها میگویند، فاصله دارد؛ اما در عین حال، انسان بایستی حلم به خرج دهد. حلم یعنی ظرفیت و تحمل صدای مخالف را داشتن. البته این - شاید بعدا هم عرض بکنم - به معنای آن نیست که دولت از عملکرد خودش دفاع نکند؛ نه، حتما بایستی دفاع کند.

«اجتناب از هواهای نفس»؛ چه هوای نفس شخصی، چه هوای نفس گروهی؛ که حالا آقای رئیس‌جمهور گفتند و این نکته‌ی خوبی است. بحمدالله عناصر دولت به هیچ گروه و دسته و باند و جریان وابسته نیستند؛ این خیلی نکته‌ی مهمی است. مراقب باشید حرکت، اظهارنظر و حرف، انتساب به یک جریان، به یک باند و به یک گروه را پیش نیارود، که اگر این‌طور شود، هوای نفس تقریبا انفکاک‌ناپذیر است. هوای نفس گروهی هم مثل هوای نفس شخصی است؛ آن هم همین‌طور است. هوای نفس گروهی هم انسان را بی‌حساب و کتاب به این طرف و آن طرف میکشانند و از خرد و جاده‌ی مستقیم منحرف میکند. این هم جزو لوازم اصولگرایی است.

«شایسته‌سالاری»، «نظارت بر عملکرد زیرمجموعه» و «تلاش بی‌وقفه برای این خدمات»، که انصاف این مورد در این دولت برجسته است. این تلاش بی‌وقفه را حقیقتا همه شاهدند و ما هم شاهدیم. این حرکت پرتلاشی که همه‌ی دولت - بخصوص شخص آقای رئیس‌جمهور - نشان میدهند، خیلی باارزش است. «قانون‌گرایی»، «شجاعت و قاطعیت در بیان و اعمال آنچه که حق است».

«انس با خدا»، «انس با قرآن» و «استمداد دائمی از خدا»؛ این آخری - که از شاخصه‌های اصولگرایی است - تضمین‌کننده‌ی همه‌ی آن چیزهایی است که قبلا عرض کردیم. انس با خدا یادتان نرود. ما بارها می‌گوییم که خدمات مسئولان نظام از هر عبادتی بالاتر است؛ این حرف درستی است و مبالغه هم در آن نیست. اما بدانید، این خدمات، آن وقتی خدمت خواهد شد و آن وقتی با خلوص و درخشش و شفافیت خود باقی خواهد ماند که شما دل‌تان با خدا مانوس باشد. اگر دل از خدا غافل شد، اگر دل رابطه‌ی خودش را با ذکر و توجه و خشوع از دست داد، همین خدمتی که ما می‌گوییم بالاترین عبادت است، همین خدمت، مشوب خواهد شد؛ اصلا به کلی مشوب می‌شود و در آن اغراض و هواها می‌آید. جهاد در میدان جنگ و میدان نظامی که این‌قدر عظمت دارد، اگر با اهداف خدایی نباشد و بدون ارتباط با خدا باشد، به یک چیز کم‌ارزش یا بی‌ارزش و گاهی هم ضد ارزش، تبدیل میشود!

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۵/۰۶/۰۶

«تواضع و نغلتیدن در گرداب غرور» هم یکی از شاخصه‌هایی است که لازمه اصولگرایی است؛ ما در معرض این هستیم. ببینید عزیزان! شماها در موضع بالای قرار دارید و مورد احترامید؛ افراد پیش شما می‌آیند و تعریف و تمجید میکنند - بعضی از روی اعتقاد، بعضی بدون اعتقاد - برای اینکه شما خوششان بیاید، ما خودمان باید مواظب باشیم حرفهایی که در تمجید و ستایش ما می‌زنند، اینها را باور نکنیم. ما باید به درون خودمان نگاه کنیم: «الانسان علی نفسه بصیره» (۱) نقصها، مشکلات و کمبودهایمان را نگاه کنیم و فریب نخوریم. این فریب خوردن، انسان را در دام و گرداب غرور می‌اندازد. اگر انسان خودش را بد برآورد کرد، آن وقت

دیگر نجات پیدا نمیکند.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

آن چیزی هم که میتواند استقلال را تامین بکند برای انقلاب اسلامی ما، تکیه‌ی صریح و شفاف بر مبانی انقلاب است؛ اصول انقلاب، مبانی انقلاب، ارزشهای انقلاب، به‌شکل صریح و شفاف مورد تکیه باید قرار بگیرد. همچنان‌که امام بزرگوار این‌جور بود؛ امام از اول شروع نهضت، همه‌ی حرف خود را صریح، بدون ابهام بیان کرد. از اول، امام رژیم طاغوتی موروثی استبدادی سلطنتی را نفی کرد، ملاحظه نکرد؛ از اول معلوم بود که امام دنبال یک نظام و یک تشکیلات مردمی است. سلطنت موروثی، مردود؛ نظام استبدادی، مردود؛ نظام فردی و متکی به اراده‌ی فرد، مردود؛ اینها را امام صریح بیان کرد؛ پرده‌پوشی نکرد. امام بصراحت بیان کرد که نظام اسلامی - نظامی بر مبنای اندیشه‌ی اسلام و ارزشهای اسلامی - باید سر کار بیاید؛ پرده‌پوشی نکرد. امام در قضیه‌ی مقابله‌ی با شبکه‌ی صهیونیستی خطرناکی که بر دنیا می‌خواهد حکومت بکند، هیچ ملاحظه‌ای نکردند، حرفی را پوشیده نگذاشتند، صراحتاً در مقابل صهیونیسم موضع گرفت. امام در مقابل رژیم صهیونیستی که یک رژیم جعلی و غاصب است که بر منطقی فلسطین مظلوم حکومت میکند، صریحاً موضع گرفت؛ هیچ ملاحظه و پرده‌پوشی نکرد؛ ببینید اینها اصول و پایه‌ها است. امام در اینکه ما با نظام سلطه مخالفیم، هیچ پرده‌پوشی نکرد. نظام سلطه یعنی آن نظام بین‌المللی‌ای که متکی است به تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ امام قاطعاً این را رد کرد. آن نظام سلطه هم در شکل کامل خود تجسم و تجسد پیدا میکند در رژیم و دولت کنونی ایالات متحده آمریکا؛ لذا امام صریحاً در مقابل آمریکا موضع گرفت. موضع‌گیری ما در مقابل آمریکا به مناسبت این نیست که اینها یک ملتی باشند که ما با این ملت مخالف باشیم یا خصوصیات نژادی تأثیری داشته باشد؛ مسئله اینها نیست؛ مسئله این است که منش و ذات و رفتار دولت ایالات متحده آمریکا، مداخله‌گری و سلطه‌گری است؛ امام در مقابل این، موضع صریح و شفاف گرفت. برای همین است که شما می‌بینید انقلاب بعد از گذشت ۲۵ سال بر اصول و مبانی و بر ریل حقیقی خود استوار و پابرجا است؛ انقلاب عوض نشد، حرف خود را عوض نکرد، راه خود را عوض نکرد، هدفهای خود را عوض نکرد؛ خیلی مهم است.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

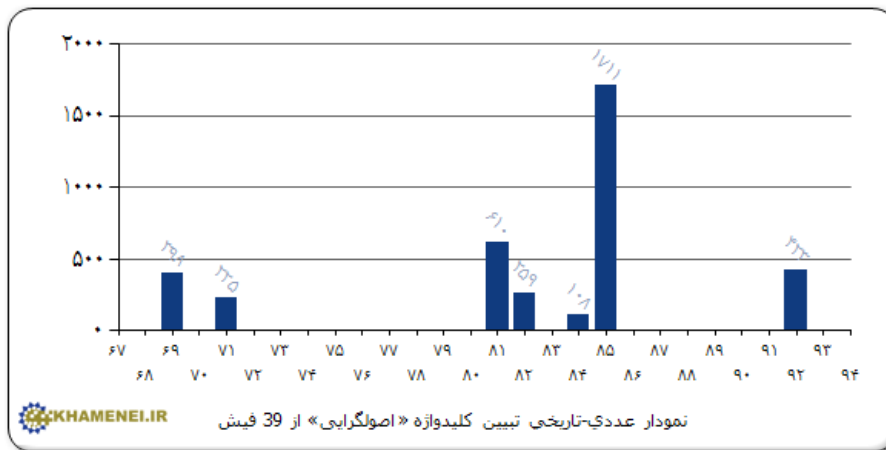
راز ماندگاری نظام جمهوری اسلامی بر ریل انقلاب و بر خطوط اصلی امام بزرگوار، همین صراحت بوده است؛ هیچ ناپستی این شفافیت را، این صراحت را از دست داد. در مقابل مخالفان، در مقابل دوستان، در مقابل دشمنان، مواضع جمهوری اسلامی باید مواضع شفاف باشد. تاکتیک‌ها را میتوانند عوض کنند، شیوه‌های کار را میتوانند عوض کنند، [اما] اصول، همچنان مستحکم باید بماند؛ این راز استحکام انقلاب و راز پیشرفت کشور است.

بیانات در همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی / ۱۳۹۷/۰۷/۱۲

از قدرت اسلامی و قدرت انقلابی می‌ترسند لذا سعی میکنند عناصر قدرت را مخدوش کنند و از بین ببرند. عناصر قدرت ما چیست؟ استقرار و ثبات سیاسی است، امنیت اجتماعی است، وحدت ملی است، پایبندی به اصول و مبانی انقلاب است، حرکت پیشرفت رو به توسعه علمی است، توسعه و تعمیق فرهنگ انقلابی و اسلامی است؛ اینها عناصر قدرت ما است؛ با اینها مخالفند، البته با پیشرفت نظامی ما هم مخالفند، با موشک ما هم مخالفند، با حضور ما در منطقه هم مخالفند؛ چون اینها هم جزو عوامل قدرت و عناصر قدرت ما است؛ پس میدان جنگ اینجا است. میدان جنگ و میدان تقابل استکبار با ایران اسلامی عبارت است از هر آنچه موجب اقتدار ایران اسلامی است؛ بایستی این را یکی از مراکز درگیری با قدرت مستکبرین دانست.

بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران / ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیتهای نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود بشدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان بشدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمیکند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند.



مقالات مرتبط با کلیدواژه «اصولگرایی» :

اصولگرایی، ماهیت و مؤلفه‌های آن / نویسنده : علی دارابی / ۱۳۸۹/۰۶/۱۸